مطبوعه هفتگی
موج بیداری
یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ – ۱۹ می ۲۰۲۴ – ۱۰ ذیقعده ۱۴۴۵ – سال بیست و یکم – ۴ صفحه – نمره ۴۲۸ – ۵۰۰۰ تومان

در بند مدرنیسم «شتر گاو پلنگ» گیر کرده‌ایم

گفت‌و‌گو با علیرضا سلطانی، شاعر و روزنامه‌نگار

سرچشمه (۲)

دختران زنجان به پاریس می‌روند

سه ورزشکار زنجانی سهمیه‌ی حضور در المپیک را کسب کردند

سرچشمه (۲)

از «قتل عام»، صدای انسان امروز می‌آید

هفت حوض (۳)

آب

آرامستان جدید زنجان، پاسخگوی نیازهای شهر تا ۲۰ سال آینده

سرچشمه–آرامستان جدید شهر زنجان که از اواخر سال ۹۸ در زمان شیوع کرونا فعالیت خود را آغاز کرد، هم اکنون با ایجاد زیرساخت‌های لازم شکل بهتری به خود گرفته و تا ۲۰ سال آینده پاسخگوی نیازهای شهر است.

به گزارش ایرنا، بسیاری از شهروندان زنجانی آرامستان‌های بالا و پایین شهر زنجان را به خوبی می شناسند، این ۲ مکان در نقاط مرکزی شهر واقع شده و روزهای پایانی هفته مسیرهای منتهی به آن بسیار پر ترافیک و شلوغ است.

به گفته مدیران شهری مدتی است ظرفیت دفن اموات در این آرامستان‌ها جز برای موارد خاص تکمیل شده است.

ایجاد مشکلات ترافیکی و تکمیل ظرفیت این آرامستان موجب شد که مسئولان شهر برای همیشه تدفین اموات را در آرامستان‌های قدیمی ممنوع، و آرامستان جدید شهر زنجان را دورتر از مرکز شهر، و نرسیده به فرودگاه زنجان راه‌اندازی کنند.

خبرگزاری ایرنا برای کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص با محمدرضا اوجاقلو سرپرست سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری زنجان گفت و گو کرده است:

در خصوص وضعیت کنونی آرامستان‌های شهر زنجان توضیح دهید.

هم اکنون ۲ آرامستان در داخل شهر وجود دارد که مدتی است اموات در آن‌ها دفن نمی شود، مگر در موارد خاص مثلا «شهدا» که معمولا مجوز آن از سوی شورای تامین استان صادر می شود.

همچنین آمار ریز و دقیقی از تعداد اموات دفن شده در این آرامستان‌ها وجود ندارد. ضمناً آرامستان جدید شهر زنجان هم مشکل خاصی ندارد که در صورت قطعی شدن سند آن، دیواره های آن به صورت پیش ساخته ایجاد خواهد شد که این اقدام نیز توسط پیمانکار مربوطه انجام خواهد گرفت؛ با اجرای این کار حریم آرامستان به صورت دقیق مشخص خواهد شد.

لازم به ذکر است که هم اکنون این مکان ۵۲ هکتار است و مسائل و مشکلات آن را پیگیر هستیم تا با رفع آن‌ها خدمات رسانی مطلوبی داشته باشیم.

آرامستان جدید از چه زمانی آغاز به کار کرد؟

آرامستان جدید شهر نرسیده به فرودگاه شهر زنجان از زمان شیوع کرونا در بهمن سال ۹۸ آغاز به کار کرد و هم اکنون ماهانه ۲۴۰ تا ۲۵۰ تدفین در آن انجام می شود.

از جمله اقدامات انجام شده برای استفاده‌ی بهینه از فضای آن، اجرای پیاده روسازی بین قبور و بین قطعه‌ها، اجرای زیرسازی، آسفالت و خاکبرداری برای انجام زیرسازی بخش غربی این محل بوده است.

سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری زنجان پیگیر ایجاد قبور خانوادگی در آرامستان جدید است که مقدمات اولیه‌ی احداث آن مد نظر قرار گرفته که البته این کار نیازمند مصوبه است که پس از اعلام قیمت نهایی متقاضیان می توانند درخواست خود را اعلام کنند.

قیمت قبور در سال جاری چه میزان افزایش داشته است؟

تمامی اقدامات مربوط به دفن و جاگذاری سنگ نشان به غیر از سنگ قبری که خانواده متوفی خریداری می کند بر عهده آرامستان است که در مجموع ۸۵ میلیون ریال می شود.

میزان مبلغ کفن و دفن اموات در مقایسه با سال گذشته ۲۰ درصد افزایش یافته است، همچنین برای خدمت رسانی بهتر، سال گذشته ۲ آمبولانس حمل و نقل به ناوگان سازمان اضافه شده است که تجهیز خواهد شد.

پیش از این برای اعزام و جا به جایی اموات در مسافت‌های طولانی با مشکلاتی مواجه بودیم که با نصب اتاق و یخچال، امکان خدمت رسانی در این نوع آمبولانس ها بهتر از گذشته فراهم خواهد شد.

طی سال جاری اجرای پیاده روسازی بین قبور و بین قطعه‌ها، اجرای زیرسازی و آسفالت و دیگر مسائل آرامستان با جدیت بیشتری انجام خواهد شد.

آرامستان جدید زنجان تا چه زمانی ظرفیت دفن اموات شهر زنجان را دارد؟

پیش از این ۱۹ هکتار از آرامستان در اختیار سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری زنجان قرار داشت و ۳۲ هکتار دیگر تملک نشده بود که با کارهای انجام گرفته این مشکل تا حدود زیادی برطرف شده است.

پیش بینی ها نشان می دهد در صورت بروز نکردن مشکل و رخدادهای خاص دیگر، آرامستان زنجان تا ۲۰ سال آینده ظرفیت دفن اموات را دارد، در زمان حاضر روزانه به طور میانگین بین هشت تا ۱۴ مورد فوتی در این مکان به خاک سپرده می شود.

شهروندان در برگزاری مراسم تدفین در آرامستان چه نکاتی را رعایت کنند؟

هم اکنون مراسم تشییع اموات هر نیم ساعت در آرامستان جدید زنجان برگزار می شود، در حالی که برخی شهروندان در مواقعی و بدون هماهنگی با ما زمان تشییع اموات خود را اعلام می کنند که این موضوع، سازمان را با چالش جدی مواجه می کند، بنابراین درخواست می کنیم شهروندان به این موضوع مهم توجه بیشتری داشته باشند.

همچنین شهروندان به نظافت قبور و سطل های زباله تعبیه شده توجه کنند، هرچند این سازمان نیروی انسانی برای این کار دارد اما همکاری شهروندان می تواند به زیبایی بیشتر فضا کمک کند.

آخر هفته یعنی از روز پنجشنبه تا ظهر جمعه اغلب شهروندان برای زیارت قبور به آرامستان می آیند، اما متاسفانه به دلیل همکاری نکردن مردم، آشغال‌ها و زباله‌ها خودنمایی و صحنه های ناخوشایندی را ایجاد می کند.

هم اکنون حدود ۵۵ نفر در این سازمان مشغول به کار هستند که پاسخگوی نیازهای کنونی آرامستان است.

ایرنا: از وقتی که در اختیار ما قرار دادید سپاسگزارم.

عکس: حامد رحمتی

در بند مدرنیسم «شتر گاو پلنگ» گیر کرده‌ایم

گفت‌و‌گو با علیرضا سلطانی، شاعر و روزنامه‌نگار

حسین نجاری

اشاره: شعر نو فارسی نزدیک به ۹۰ سال پیش از عمق خاکستر شعر کلاسیک فارسی بَردمید. شعله‌ای که از میان سنگ چینی از اجاقی سرد، سر برآورد و نام نیما را در گستره‌ی تاریخ این سرزمین کهن نقش زد. نیما می گفت شاعر باید شعرش را با همان زبانی بنویسد که مردم با آن حرف می‌زنند. منظور نیما این نبود که زبان شعر باید عیناً همان زبان روزمره باشد. به همین دلیل معتقد بود که باید زبان آرگو را با زبان آرکائیک در آمیخت و از ترکیب آن‌ها زبانی ساخت که از جنس زبان مردم اما در مرتبه‌ای والاتر و ورزیده‌تر و بالنده‌تر باشد.

بعد از نیما نیز، شاملو و دیگر شاعران نواندیش، جبهه‌ی شعر نو را گسترش دادند تا اینکه بنای شعر بامداد (موسوم به شعر سپید) توسط احمد شاملو پی ریزی شد. نسل‌های شاعران نواندیش بعدی که از آینده به جهان شعر می نگریستند به جبهه‌ی آزاد شعر پیوستند و قلمرو شعر سپید را گسترش دادند. شعر بامداد اگر چه پهنای باند وسیع تری نسبت به شعر کلاسیک و موزون دارد ولی آن‌گونه که باید نتوانسته به نیازهای روحی انسان معاصر پاسخ دهد، نه تنها شعر فارسی که شعر جهان نیز در روزگار پر فروغ تصویر پردازی و سینماگری و غیره که هنری مدرن محسوب می شوند موقعیت خود را از دست داده و در مقایسه با این هنرهای جدید و جذاب، عقب افتاده‌اند و بایسته است برای احیای خود، خلاقانه گل برافشانند و طرحی نو در اندازند.

یکی از شاعران نواندیش زمانه‌ی ما در این شهر و دیار علیرضا سلطانی است که از همان دوران نوجوانی دل در گرو شعر نوی فارسی داشته است. سلطانی، شاعر روشنفکری است و چون گل آفتابگردان چشم در چشم خورشید عشق و آزادی دوخته و با شوریدگی در شمایل‌اش نگریسته و در برابر او به سماع برخاسته است. سلطانی درک والایی از جایگاه و کارکرد شعر و ادبیات دارد و سال‌ها از ساعد ساقی سیمین ساق شعر گرفته و در ستایش عشق و انسانیت و آزادی سروده است. او در کنار شاعری به کار روزنامه‌نگاری پرداخته و قلم به تخم چشم زده و خورشید را از دهان معطر آن بیرون آورده است تا با جان نورانی کلام‌اش، سیاهی‌ها را از دفتر و دیوان زمانه بزداید.

سلطانی این روزها، آفتابگردانی که سر از آفتاب تافته و چشم بر زمین دوخته است و این بار باید گفت: «گل آفتابگردان! / هرگز دهانت را این گونه / سیاه ندیده بودم.»... او روزگار خوشی ندارد و با شیلنگ باریکی دهان بر دهان کپسول اکسیژن نهاده و به دشواری روزگارش را سپری می کند به همین خاطر به سختی این گفتگو انجام پذیرفته و به دستان پر مهر شما رسیده است. جا دارد از خانم آذر صحبتلو؛ همسر هنرمند، فرهیخته و فداکار علیرضا سلطانی تشکر ویژه‌ای بکنم که در کنار مشغله‌های بی پایانش، ما را در تهیه و تدارک این گفتگو همراهی کرده‌اند، حقیقتاً او یک بانوی فداکار است، دلش گرم و سرش خوش باد. گفتگوی ما را به سلطانی شاعر و روزنامه‌نگار، پی بگیرید:

آقای سلطانی شعر از کجا می آید و چه رسالتی در تاریخ حیات انسان ایفا نموده و چه نقشی در جوامع بشری بر عهده داشته است؟

نخست باید بگویم آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا/ بی‌وفا حالا که من افتاده‌ام از پا چرا!... به هر حال! بگذریم. این سئوال شما می تواند سرفصل موضوعی بسیار کلان باشد، موضوع حتی به «فلسفه‌ی هنر» بر می گردد. پاسخ دادن به پرسش‌های این چنینی طوری است که می شود پایان‌نامه‌ی تحصیلی رشته‌های علوم انسانی قرارشان داد! آن هم اگر دانشگاه واقعی باشد و البته دانشجو و استادش هم واقعی باشند، نه از این آشنا بازی‌های هیئت علمی فلان و بهمان و... به هر حال بسیار خلاصه اشاره می کنم و می گذرم.

اینکه شعر از کجا می آید! اگر از نظر تاریخی می فرمایید، خب تاریخ شعر فارسی با کل جریان شعر جهان، تاریخ روشنی دارند ولی اگر از دیدگاه روان‌شناسی و جامعه شناسی می فرمایید، باید گفت اول اینکه شعر هنر است، یعنی آفریننده می خواهد. دوم اینکه، ادبیات است یعنی تکنیک آموختن و ورزیدن می طلبد، به قول دکتر کزازی عزیز: «ادب ورزیدنی است.» از نظر تاریخ شعر فارسی هر چند تاریخ ما از نظر انسانی بسیار غنی است ولی از نظر سرنوشت اجتماعی مصیبت‌بار است. بلاهایی که بر سر شاعران آمده و می آید از عطار و رودکی گرفته تا معاصرین ما، همه قصه‌های پر درد و طولانی دارند. برای نمونه منزوی در غزل «کسی نشناخت» داستان غم‌باری دارد و شرح این قصه در حوصله‌ی کل نشریه هم نمی گنجد!

آقای سلطانی از این درام‌های تاریخ ادبیات بگذریم، اینکه شعر از کجا می آید مهم است و به کجا می رود نیز حائز اهمیت است. لطفاً بگویید که شعر چه نقشی را در حیات تاریخی خود ایفا کرده است؟

شعر ما از دورانی کهن تا به امروز مسیر درازی را طی کرده و در بزنگاه‌های تاریخی در کنار مردم ایستاده است و امروز هم شعر راستین ما به رسالت واقعی خود پای‌بند است.

شعر به کدام بخش از نیازهای ما پاسخ می دهد؟

شعر هنری کلامی است که گاهی اوقات شنیداری و گاهی نیز دیداری است. هنر، همگرایی اجتماعی می طلبد به عبارتی وقتی می توان به سنجش موضوعی در سطح جامعه پرداخت که در آن جامعه پدیده‌هایی مثل شعر، از یک تعریف نسبتاً سترگ در سطح جامعه برخوردار باشند. در کشور ما اولاً همگرایی اجتماعی به دلایل متعددی تقریباً وجود ندارد، در مورد شعر هم تلقی‌ها، توقع‌ها را موجب می‌شوند یعنی با چه دیدی شعر یا هنر را می فهمی؟ سلیقه‌ات چیه؟ شعری که ادامه‌ی فروغ فرخزاد باشد، به نیازهایی پاسخ می‌دهد که مثلاً شعر منزوی و خیلی های دیگر با آن آشنا نیستند! بیشتر از این توان و حوصله‌ی توضیح ندارم. شاید این مثال کمی موضوع را روشن کرده باشد.

آقای سلطانی به نظر می رسد شعر در دنیای مدرن نتوانسته به روح خدمت کند و به نوعی دچار یک موضع ضد رخدادی شده است، شما چه نظری دارید؟

بسیار خلاصه بخواهم پاسخ بدهم باید راست و حسینی عرض کنم که «نه»، یعنی اینجا که من زندگی می کنم و به زبان فارسی شعر را می خوانم بی شک پاسخ نمی دهد. «دنیای مدرن» ترکیب واژگانی بسیار بسیط است باید بروی ببینی فلسفه‌ی هنر در جهان امروز اساساً چگونه است، در جهانی که هر کس یک دستگاه «آیفون» در دست دارد در معرض هجوم انواع اطلاعات و ضد اطلاعات قرار دارد و... زمان خلوت انسان با خودش چه زمانی است که مثلاً بنشیند و شعری را بخواند، یا لذت ببرد یا آن‌گونه که باید بیاندیشد! ما در بند مدرنیسم «شتر گاو پلنگ» گیر کرده‌ایم! ما درک دستی از مدرنیته و مُدرنیسم و... نداریم. من باید با کدام مبنا پاسخ بدهم، ببینید گرفتاری فرهنگی ما سراسری و در تمام جوانب وجود دارد. بعضی جاها رشدهای به ظاهر بسیار باشتاب، نسبت به بعضی فرهنگ‌ها، همسایه‌ها و زبان‌ها و... داشته‌ایم اما این رشدها سرطانی بوده است! یعنی در جایی دیگر اتفاقاً در حجمی بزرگ‌تر جوری عقب مانده‌ایم که از هر فرهنگ عقب مانده‌ی دیگری فاجعه‌بارتر است. شما می دانید که کارکرد هنر و شعر در جامعه‌ی ما چندان موفق نبوده چرا که فراگیر نبوده! چرا که جامعه‌ای که گرفتار روزمرگی است، یعنی صبح تا شب دنبال لقمه‌ی نان دویدن است، آیا مجال فکر کردن، لذت اندیشیدن و لذت آفرینش هنری را درک می کند، این شامل امروز نیست، قرن‌هاست ما به همگرایی اجتماعی پشت کرده‌ایم، عذر می‌خواهم ما در همین ۵۰ سال اخیر به ظاهر نوابغی را در ادبیات و هنر و... داشته‌ایم که در واقع نابغه نه بلکه با عرض پوزش به اندازه‌ی «یک حیوان نجیب» هم دانا نبوده‌اند و تازه پنجاه سال بعد جامعه‌ی خواب‌آلود روشنفکری ما متوجه شده‌اند که‌ای داد و بیداد حالا شما نباید انتظار ظهور سعدی شیرازی و خواجه حافظ و این قبیل شعرا را داشته باشی چون زمانه عوض شده و ما جا مانده‌ایم. نگویید که ربطی به شعر ندارد، این روزها یک نوجوان اهل نروژ و حتی سوریه و سومالی و... هم می فهمد که همه چیز به همه کس و همه جا مربوط است!

آقای سلطانی دهه‌ی ۴۰ به نوعی دهه‌ی تثبیت شعر نیمایی و نظریه‌ی ادبی نیما بود و امروزه اگر چه جریان شعر متجدد ما بر مبنای اندیشه‌ی فراورنده‌ی نیما پیش می‌رود با این همه جریان شعر نیمایی از دهه‌ی ۶۰ به بعد دچار ایستایی شد و به مرور از صحنه‌ی ادبی ما عقب‌نشینی کرد. شما دلایل این رکود و رخوت پیش آمده برای شعر نیمایی را در چه می دانید؟

این پرسش شما را کاش من می توانستم به عنوان رساله‌ی دکترای ادبیات تطبیقی خودم به جهان ارائه بدهم! منتها غم نان و گرفتاری‌های زندگی گوی سبقت را از ما ربوده‌اند و مجالی برای کار در عرصه‌ی شعر و ادبیات و تحقیقات ادبی پیدا نمی کنیم و این چه قدر اسفبار است. من خودم نه تنها دل در گرو چنین چیزهایی دارم و با ادبیات دانشگاهی بیگانه نیستم بلکه همسرم نیز کارشناس ارشد ادبی دارند و از قضا مواردی را از ایشان آموخته‌ام، اگر چه خودم را مجال ندادند که در جای خودم باشم و بار خودم را ببرم.

آقاجان «بوعلی سینا» جایی بود که می بایست باشد و شرایط کار تفکر و تالیف برای اش فراهم بود، زمانه، زمینه‌ی کشف و معرفی او را فراهم کرد. زمانی ایران زمین اینگونه بود ولی در این چهارصد پانصد سال ما ماندیم و غربی ها تاختند، آن‌ها خودشان را عوض کردند. شعرشان را هم عوض کردند و اندیشه‌ی انقلابی ادبیاتی‌شان را فراگیر کردند ولی این‌جا هنوز پدر نیما را بعد از سال‌ها پس از مرگش در می‌آورند!

جریان هنر و ادبیات معاصر ما دچار بیماری‌های مختلف حاد و مزمن بوده و هست ولی در نقاطی از تاریخ معاصر به ویژه دهه‌ی ۴۰ و بعد دهه‌ی ۵۰ جهش‌هایی یا «موتاسیون‌هایی» در جریان بالندگی یا برعکس آن رخ داده‌اند که در اصل بیش از آن‌که مربوط به ظهور و حضور اندیشه‌ورزی شاعرانه باشند محصول دگردیسی‌های اجتماعی است. دهه‌ی ۴۰ شمسی ما در واقع همزمانی ویژه‌ای با دگردیسی های تند اجتماعی، سیاسی در دهه‌ی ۷۰ میلادی ندارد. در کوبا انقلاب رخ می‌دهد، کسانی به نام عدالت (البته به دروغ) در روسیه و چین ادعای دفاع از حقوق زحمت‌کشان را می کنند در حالی که پشت ماجرای آن‌ها مثلاً «استالین» قرار نداشت. آن‌ها در واقع ملی گراهای تندرو بودند که به نام «خلق» اتفاق افتاد و قبل از همه پدر «خلق زحمت‌کش» را در آوردند و... تا اینکه چندین دهه بعد دست‌شان رو شد اما همان دهه‌ها در جوامع کوچک آسیایی آفریقایی و آمریکای لاتین چه حوادثی که رخ نداد! مردم ما تحت ستم «مرکز گرایی» دیکتاتوری سلطنتی چه بلاها که بر سرش آمده بود و... خب این‌ها بهانه‌ی شعر سرودن ما به جای بیانیه‌ی سیاسی شده بود!

به جوابم نرسیدم. این‌ها جواب سئوال من نبود

ببینید اگر فروغ و شاملو و... در شعر ظهور کردند دلیل داشت و البته به موازات شعر، در سینما هم فیلم‌سازان بی‌نظیری ظهور کردند و... خلاصه اینکه در سرزمین ما با توجه به تغییرات شگفت‌انگیز از جمله تکنولوژی و... در صد و پنجاه سال گذشته دچار گسست‌های بزرگ اجتماعی شده‌ایم. نسلی می آید تا می خواهد خود را مطرح کند، ارتباطش را با نسل بعدی به طور کلی قطع می کند! در شکل اجتماعی با انواع آشوب‌ها، خود را نشان می دهد در عرصه‌ی هنر و شعر و ادبیات هم همینطور.

در دهه‌ی ۶۰ ما دچار این قضیه شدیم، من متعلق به این نسل هستم. بگذریم این قصه سر دراز دارد. خدا بیامرزد «ابتهاج» را، خودش به من نصیحت کرد که من عمل نکردم و آن اینکه «گفت بلند شو بیا تهران...» و من پشت گوش انداختم.

نیما در یکی از نامه‌هایش می گوید: من معتقد به شاعر و نویسنده‌ی دیمی نیستم که از علوم فلسفی به کلی بی‌بهره باشد، لازمه‌ی شاعر و نویسنده بودن در عصر حاضر این است که باید تا اندازه‌ای فیلسوف باشد و نیز بر علوم اجتماعی و اقتصادی وقوف داشته باشد، اگر این سخن نیما را متر و معیار در نظر بگیریم، شاعران معاصر ما چه شناختی از این حوزه‌ها دارند و اساساً مبانی شناخت آن‌ها از جهان هستی چیست؟

اینکه نیما می گوید من معتقد به شاعر «دیمی نیستم» خب این همان دید انقلابی اوست، در ادامه‌اش فروغ نیز می گوید که بعضی شعرها را اگر ببری پیش یک روانشناس، می گوید «این زاییده‌ی یک ذهن بیمار است!» تلقی عام از شاعرانگی در جامعه‌ی ما وجود دارد و همین امروز هم البته این تلقی شایع است که شاعرانگی را به بی خیالی و مستی و کرختی و بی‌خبری و یا مخلوطی از عیاشی و شراب و رباب و غیره... معنی می کنند. می خواهند تعریف یک شاعر حتی بسیار با مرام و به اصطلاح آیینی را بکنند «می گویند فلانی شوری دارد دیوانه‌وار...» این همان برداشت مستبدانه شاهنشاهی و استبدادی و درباری از شعر است. در زمان حافظ و مولوی و... آدم‌های رند و زیرک پیدا می شدند که زیر بار همین نام و زیر بال و پر یک حاکم پناه می گرفتند و به ناچار برای آیندگان می سرودند. شعر فارسی کلاسیک در واقع شعر پیام‌آور است و البته بسیار هم غنی و باشکوه است، ولی همان بیماری را که نیما می گوید، دارد.

انقلاب نیمایی اتفاقاً علاوه بر شعر شامل تمامی هنرها هم می شود، به ویژه هنر مدرن «سینما». موضوع هستی شناسی مدرن و بعد رشد ناگهانی و جهش وار تکنولوژی ارتباطات و... تلقی های کهن را به دور می ریزد. یعنی ناچار است که به دور بریزد. شعر هم به سمت دیداری شدن می رود و این نگاه جهانی است اما اینکه داخل سرزمین من شعر به زبان فارسی چگونه است در حال حاضر فاجعه‌بار است و یکی از بزرگ‌ترین دلایل آن گسست نسل‌هاست.

آقای سلطانی! همان گونه که می دانید دهه‌ی ۴۰ را می توان دوره‌ی تکوین نقد ادبی جدید در ایران دانست. در این دهه افرادی چون براهنی، رویایی، حقوقی، دستغیب، مهرداد صمدی و اسماعیل نوری اعلا، به طور جدی برای کتاب‌ها نقد نوشتند. اگر چه پیشینه‌ی نقد ادبی در ایران به عصر مشروطه بر می گردد اما در دهه‌ی ۴۰ به صورت یک جریان جدی در کنار ادبیات، تاثیر گسترده‌ای بر روی آن گذاشت، حال بعد از گذشت نیم قرن از آن عصر، نقد ادبی ما در چه وضعیتی قرار دارد، آیا توانسته راه‌های جدیدی را بر روی شعر و داستان ما بگشاید یا نه تاثیر معناداری نداشته است؟

اسامی که شما آوردید همه در محدوده‌ی (تهران) یا مرکز معنی می شوند و این برای کشوری با وسعت ایران و تنوع فکری و فرهنگی و هنری عیب بسیار بزرگی است.

به هر حال گسست باعث شد نسل منتقل دهنده‌ی تجربه‌ها از دو جهت پدیدار شناسانه و زیباشناسانه، از دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ به دهه‌ی ۶۰ کاملاً متوقف شود. بعدها بعضی ها این را نتیجه‌ی ظهور پسامدرنیته نامیدند که به شدت اشتباه درک می کردند، بگذریم. دور برگردان بلایای ترجمه و درک واژگون از متون مربوط به هنر، فلسفه‌ی هنر و ادبیات و.. ما را مثل ترجمه و درک واژگون از فلسفه‌های مصطلح چپ گرایانه در ایران دهه‌ی ۳۰ به بعد، این بار به شکلی دیگر تکرار شد، بحث هرمونیک و رمزگشایی متون عود کرد، زبان شناسی مؤلفه اکثر نقادان غربی با نام‌های بزرگ زبان‌شناسان مطرح شدند.

از «هوسرل» و بقیه، بعضی ها در تهران (مرکز سانترالیسم هنری و ادبی کشور) فاکت‌های بسیاری با تحلیل‌های عجیب و غریب مطرح کردند (البته همه در محافل فوق روشنفکری) مثل درک واژگون از «مرگ مؤلف و متن» که به مرگ آفریننده‌ی هنری تعبیر شد. یعنی همان «خودکشی» و... بحث‌ها فراوان هستند، بنابراین در دهه‌ی ۷۰ یک عده‌ی انگشت شمار در مجله‌های روشنفکری ادعاهایی کردند و زود هم فروکش کرد. چرا؟ چون که مردم گرفتار زندگی بودند! نه فقط مردم بیگانه با هنر بلکه حتی دانشجو و کتاب‌خوان و غیره هم گرفتار زندگی روزمره بودند و البته امروز هم وضعیت همین است.

«پوپولیسم» و «اپورتونیسم» و... همه دارند بیداد می کنند و همه نتیجه‌ی آشفتگی های عصر ما هستند.

نهایت امر اینکه مخاطب یا نقاد، شعر «مدرن» را چه چیزی تلقی می کند، در درجه‌ی نخست باید گفت هر اثری باید نخست متکی به نظریه باشد سپس توسط یک مکانیزم منسجم به نام نقد مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته باشد تا عیار آن به صورت علمی و فنی معین شود.

بنابراین ما برای تکوین پروسه یا روند شکل گیری و آفرینش اثر هنری اعم از شعر و سینما و غیره به سه فاکتور نظریه، خلق اثر و نقد فنی نیاز داریم.

فیلم‌ساز و شاعری که مسلح به نظریه‌ای خاصی نیست، طبیعی است که اثر هنری‌اش بی‌مایه باشد. مثل فطیری است که خمیرش درست بار نیامده و عاقبت همین اثر هنری نقد نشده دور انداخته می‌شود. اصلاً در حوزه‌ی هنری و ادبی سرزمین ما، «نقد» را نمی شناسند و هر از چندی آشفته‌گویی‌ها و فحش کاری‌های شخصی را نقد پنداشته‌اند. بنابراین مخاطب ما «مدرن» تربیت نشده، به قول یک جامعه شناس مثل این است که «شهرنشین» باشیم و فکر کنیم «شهروند» هستیم.

آیا شعر مدرن همچنان به معنای بیان احساسات و عواطف است یا نقش و کارکرد دیگری پیدا کرده است؟

شما چالشی بسیار ژرف را به بحث می گذاری که یک میزگرد می خواهد، عزیز دلم من گمان نمی کنم بحثی را که الان ما (یعنی مثل من) در همین سطح پایین مطرح می کنیم به اندازه‌ی انگشتان یک دست در همین محدوده‌ی بومی ما کسی آن را متوجه شود!

فراموش نکنیم که ما دچار آشفتگی نظریه‌پردازی هستیم و تا این مشکلات ما حل نشود کارکرد شعر نیز دچار ابهاماتی خواهد بود. باید به صورت اساسی سر این موضوعات اندیشید.

همانگونه که می دانید اسطوره ندیمه‌ی ادبیات است و بدون شناخت اسطوره، بخش اعظمی از ادبیات جهان قابل فهم نیست، به عنوان مثال کتاب سرزمین بی حاصل یادداشت سترون الیوت بدون تحلیل اساطیری قابل درک نیست و ایضا همین مسئله در مورد خیلی از آثار ما از شاهنامه فردوسی گرفته تا شعر شاعران معاصر صدق می کند بنابر این بحث ترجمه چه قدر می تواند در انتقال معنا و تشریح مفاهیم اساطیری موفق عمل کند.

مسئله‌ی اسطوره هم در پی همین مسائل قابل تبیین است، ما در قلب خاورمیانه و در سرزمین اسطوره‌ها به سر می‌بریم. کشور ما ادبیات فردوسی و حافظ و در حوزه‌ی اندیشه‌ورزانه‌ی نقادانه رباعیات خیام و... را یدک می کشد. نیما به درستی مشکل را دریافته بود، ما مشکل دوگانه داشتیم. شعر ما شنیداری بود و از سینما فاصله گرفته بود، در حالی که سینما مثل سینمای «کیارستمی» خود شعر است و شعر فروغ خود عین سینمای «خانه سیاه است» می‌باشد. این قضایا را باید ساعت‌ها نشست و بحث کرد. کاش می‌شد، اگر چنین امکانی را به من نوعی ۲۰ سال پیش می‌دادند، امروز شعر ما حداقل در این شهر به جایگاهی رسیده بود که می توانست از نظر ارزش‌های ادبی بسیار فراتر از گذشته‌های دور و نزدیک مطرح شود. نیما ناچار شد که در جامعه‌ی فقر زده‌ی هنری فعلاً به فرم بپردازد، او اندوهگین و تنها رفت چرا که نشناختندش.

آبگینه

دختران زنجان به پاریس می روند

سه ورزشکار زنجانی سهمیه‌ی حضور در المپیک را کسب کردند

سرچشمه –معاون توسعه ورزش بانوان اداره کل ورزش و جوانان استان زنجان گفت: سه بانوی ورزشکار زنجانی سهمیه حضور در المپیک و پارالمپیک پاریس را کسب کرده‌اند که این موضوع، نشانگر توانمندی‌های بالای آن‌هاست.

به گزارش ایرنا، عذرا واسعی افزود: مهسا جاور و زینب نوروزی ۲ ورزشکار زنجانی اوایل اردیبهشت امسال با حضور در مسابقات انتخابی المپیک آسیا و اقیانوسیه تاریخ‌ساز شدند.

وی اضافه کرد: در این رقابت‌ها این ۲ بانوی قایقران استان زنجان در روئینگ ۲ نفره سبک وزن در رقابت با حریفانی از تایلند، ویتنام، ژاپن، ازبکستان و اندونزی موفق ظاهر شدند و به عنوان قایق دوم از خط عبور کردند.

واسعی افزود: این ۲ ورزشکار با کسب نشان نقره در قایق ۲ نفره برای اولین بار در تاریخ ورزش استان، جواز حضور در المپیک پاریس را کسب کردند.

این مسوول ورزشی با بیان اینکه رقیه شجاعی دیگر ورزشکار زنجانی در رشته تیراندازی با تفنگ جواز حضور در رقابت‌های پارا المپیک پاریس را کسب کرد، ادامه داد: این ورزشکار سال گذشته با حضور در رقابت‌های آسیایی هانگژوی چین موفق به کسب سهمیه شده بود.

واسعی ادامه داد: «الناز رکابی و محیا دارابیان «دو بانوی سنگنورد زنجانی نیز خود را برای حضور در مسابقات کسب سهمیه المپیک پاریس آماده می کنند که امیدواریم شاهد درخشش آن‌ها در این رقابت‌ها و یک تاریخ سازی دیگر باشیم.

وی با بیان اینکه هم اکنون رشد و توسعه ورزش بانوان استان بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است، خاطر نشان کرد: مشارکت در ورزش می‌تواند به زنان برای گسترش مهارت‌های فیزیکی و ارتقای توانایی جسمی و قدرتی کمک کند و اعتماد به نفس آن‌ها را افزایش دهد.

تکمیل ورزشگاه ۱۵ هزار نفری زنجان نیازمند ۲ هزار میلیارد ریال اعتبار است

سرچشمه-مدیرکل ورزش و جوانان استان زنجان گفت: تکمیل ورزشگاه ۱۵ هزار نفری زنجان نیازمند ۲ هزار میلیارد ریال اعتبار است و تلاش داریم این پروژه تا شهریور امسال به سرانجام برسد.

به گزارش ایرنا، جواد بازرگان افزود: از اعتبارات سال ۱۴۰۲، هزار میلیارد ریال به این پروژه اختصاص یافت و برای امسال نیز بر اساس برآوردها، ۲ هزار میلیارد ریال برای تکمیل آن نیاز است.

وی به بازدید معاون تولید، فنی و زیربنایی سازمان برنامه و بودجه کشور از این طرح در هفته گذشته اشاره کرد و ادامه داد: این بازدید در راستای مساعدت و تسریع بیشتر در تخصیص اعتبارات بود.

مدیرکل ورزش و جوانان استان زنجان گفت: برای تکمیل ورزشگاه ۱۵ هزار نفری زنجان، همه دستگاه‌های متولی دست به دست هم دادند و اجرای طرح روند مناسبی دارد.

ورزشگاه ۱۵ هزار نفری زنجان ۶۰ هزار و ۶۰۶ متر مربع زیربنا دارد و عملیات احداث آن در سال ۸۴ آغاز و مسوولیت ساخت آن به شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور واگذار شد.

ابتدا قرار بود این پروژه طی چهار سال در کنار مجتمع تفریحی گاوازنگ این شهر به بهره‌برداری برسد اما روند اجرای آن از آنچه تصور می رفت طولانی تر شد و پس از گذشت ۱۷ سال شهروندان زنجانی به ویژه علاقه‌مندان به فوتبال همچنان در انتظار افتتاح این پروژه بزرگ ورزشی هستند.

رییس دولت دوازدهم ۱۶ دی ماه سال گذشته در جریان سفر استانی خود به زنجان با بازدید از پروژه معطل مانده ورزشگاه ۱۵ هزار نفری زنجان بر تسریع در اجرای آن تاکید کرد.

ابراهیم رئیسی، در این بازدید، دستور داد ضمن واگذاری عملیات احداث از شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور به استان و جذب و تامین اعتبار مورد نیاز برای تکمیل آن، این پروژه حداکثر تا پایان شهریور ماه سال آینده تکمیل و آماده بهره‌برداری شود. این پروژه هم اکنون ۸۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد.

کافه فیروز

زنجان با ۳۲ برنامه به استقبال روز جهانی موزه و هفته میراث فرهنگی می رود

هفت‌حوض-مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان زنجان گفت: همزمان با بزرگداشت روز جهانی موزه و هفته میراث فرهنگی ۳۲ برنامه در استان زنجان برگزار می‌شود.

سید سعید صفوی روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه در جمع خبرنگاران، اظهار کرد: افتتاح موزه مهرانه، نشست تخصصی با مسئولان موزه‌های تخصصی، افتتاح سرای ذبیحیان، رونمایی از اشیاء مرمت شده، تجلیل از خادمان و حافظان میراث فرهنگی، نشست خبری با اصحاب رسانه، آغاز مرمت چندین بنای تاریخی در سطح استان، غبارروبی از مزار شهدا، اهداء مجوز نسخ خطی، دومین رویداد تجلیل از پیشکسوتان و استادکاران مرمت گنبدسلطانیه، نشست تخصصی با موضوع باستانشناسی سلطانیه با همکاری دانشگاه آزاد ابهر، برگزاری مراسم شاهنامه‌خوانی در پایگاه جهانی گنبدسلطانیه، بررسی پرونده‌های ثبت ملی، طبیعی و...پیش بینی شده‌است.

وی افزود: چاپ و نصب بنرهای گرامی‌داشت هفته میراث‌فرهنگی و روز جهانی موزه در سطح شهر از دیگر اقداماتی است که به همین مناسبت توسط این اداره انجام می‌شود.

او بیان کرد: موزه‌ها شناسنامه بشر هستند و ما می توانیم به‌واسطه اشیایی که در موزه‌ها نگهداری می شوند، با فرهنگ و تمدن هر قوم و ملّتی آشنا شویم. در واقع ما بدون موزه‌ها ملتی بی شناسنامه خواهیم‌بود

صفوی ادامه‌داد: در شهرستان‌های استان نیز برنامه‌هایی ویژه این هفته اجرا خواهد شد که پاکسازی آثار و محوطه‌های تاریخی سطح استان، برگزاری نشست‌های تخصصی، کارگاه‌های آنلاین و حضوری آموزشی، نمایشگاه‌ها، تجلیل از مفاخر و میراث‌بانان حوزه میراث فرهنگی، تورهای آشناسازی برای دانش‌آموزان، دانشجویان، مدیران و سازمان‌های مردم نهاد از مهمترین این برنامه‌هااست.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان زنجان اظهار امیدواری کرد که با اجرای این برنامه‌ها و معرفی هرچه بیشتر هفته میراث فرهنگی و موزه‌ها و اماکن تاریخی -فرهنگی در این استان، زمینه‌های حفظ و احیای بیشتر مواریث تاریخی، فرهنگی و معنوی این استان فراهم شود.

شعریم یارادیر
علی دل پاک

من خانیمیملا ائولنمه دن اؤنجه
ائولندیم قوشوقلا، شعرله بیر گئجه
شعرله‌ائولنمه‌می، کیمسه‌بیلمه‌دی
تویوم یاسا دؤندو، کیمسه گلمه‌دی
***
بونونچون خانیمیم، شعریمی سئومیر
گونوسودور شعریم، گونوسون اؤومیر
منیم ایندی ایکی، سئوگیلیم واردیر
خانیمیمین گؤزو، نه یازیق داردیر
***
خانیمدان ایکی دن، چوخ اوشاغیم یوخ
شعریمدن اوشاغیم، آنجاق چوخدور چوخ
شعردن قوشما قوشما، بالام وار بول بول
گرایلی، وارساغی، هر بیری بولبول
***
گرایلی گرایلی، بالالامیشام
کؤنول داغلاریمدا، لالالامیشام
غزل غزل داغلاریما ساچمیشام
داغلاریمدا چیچکلنیب آچمیشام
***
گؤزلریمدن بولوت بولوت یاغمیشام
بولوت قوشوغومدان، اوموت ساغمیشام
قوشوقلاریم دولوب یاغان بولوتدور
هر بایاتیم داغدا، بیتن اوموتدور
***
آنادیلیم اوغوللودور قیزلیدیر
دردی داغ باشیندا، سانما گیزلیدیر
یوللاری طوفانلی، یامان توزلودور
قارانلیق گؤگلری، آی اولدوزلودور
چوخ دیللر قیزلیدیر، هم اوغوللودور
هم بیلیم یوردلودور، هم اوخوللودور
آنجاق منیم دیلیم، اوخولسوز قالمیش
اوخولسوزلوق دردی، کؤنلومو آلمیش
بودردن کؤنلومون، بنزی سارالمیش
بو قارا نیسگیلدن، گونوم قارالمیش
***
شعریم داغلاریمدا، چیله مکده دیر
غم نئی‌ین داغلاردا، پیله مکده دیر
***
آرا سیرا آغ، شعرده یازیرام
داغلاریمدان داغ، شعرده یازیرام
اوخولسوز شعریمین، دونو قارادیر
کؤنول یاراسیندان، یازیب یارادیر

تورکجه-فارسجا قیسسا سؤزلوک:
قوشوق:شعر-گونو:هوو،همشو
-بول:فراوان-ساچماق:تابیدن-بیتَن:روییده-اوخول:مدرسه-
چیله مک:آواز خواندن-پیله مک:دمیدن،نی نواختن

بر خاک، عاشقانه گذشتی

حسین نجاری

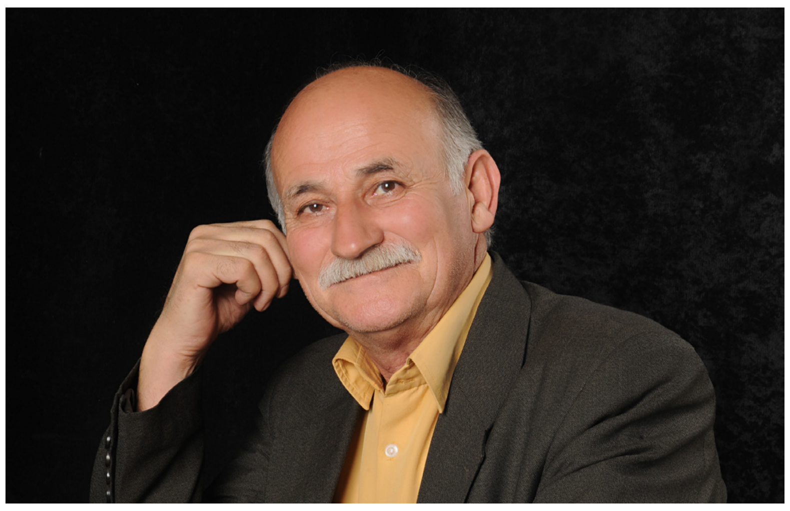

مگر می‌شود نام و یادش از خاطر شعر و شهرش برود، مگر می‌شود آن رخسار افروخته در غبار زمان محو گردد! مگر می‌شود آن نگاه ناب و صدای سوخته و خنده‌های ملیح‌اش از لوح دل و جان برود. عباس بابایی؛ شاعری که در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۴ چهره در نقاب خاک کشید. شاعری شریف و نجیب که الهه‌ی شعر را بی‌هیچ هیاهویی ستایش می‌کرد، از جار و جنجال و پوپولیسم پرهیز داشت و از پزهای پرطمطراق و ژست‌های تصنعی بری بود و با جهان جعلی و ساختگی کمترین وفاقی نداشت. او عمیقاً شاعر بود و جهان شاعرانه‌ی الوانی داشت اما آلوده به رنگ و ریا نبود. شعرهای زیبایی در زبان ترکی داشت، غزل فارسی را خوب می‌نوشت و سپیدهایش نیز ملال از تن آدمی می‌زدود.

بابایی از شاعران آوانگارد زنجان بود که شعر سپید را خوب می‌شناخت، فروغ و شاملو را دیوانه‌وار سر کشیده بود و از جرعه‌های شاعرانه‌ی آن‌ها مستی مداوم داشت. شیفته‌ی نیما بود و نظریه‌های این شاعر متفکر معاصر را خوب خوانده بود، نگاه تیز و تازه و فرارونده‌ای داشت و مشفقانه، مو را از متن ماست بیرون می‌کشید. از هیاهو و هوچی گری حیا داشت و به هر قیمتی نمی‌خواست بساط زهد و فضل فروشی در سر هر کوی و برزنی پهن کرده و متاع خویش را با هر فریب و نیرنگی در چمدان رهگذران فرو بکند.

بابایی اهل فخر و تبختر نیز نبود و سلطه‌ی سنی که نشأت گرفته از نگاه سنتی و نشانه‌ی توسعه نیافتگی است در اقلیم وجودش معنایی نداشت. مخصوصاً اینکه در جامعه و تاریخ استبداد زده‌ی ما، آدم‌ها به خاطر یک سال بزرگی، پایه‌ی دیکتاتوری ابدی را بر کوچک‌ترها می‌ریزند و تمام وقت عتاب و خطاب می‌کنند.

به هر روی عباس بابایی عمیقاً خودش بود و صداقت و صفای عظیمش از هر کرانه‌ی جان و جهان‌اش بیرون می‌زد.

او شتابزده در پی فتح جهان نبود تا با کوچک‌ترین ناکامی به ورطه‌ی یأس و سرخوردگی فرو بغلتد. با خودش کنار آمده بود و جهان را متاملانه رصد می‌کرد. خلاصه اینکه عباس بابایی از جنس کسانی نبود که تمام موجودی خود را در ویترین می‌چینند اما خزانه‌ای خالی دارند! او با چنین چگالی بالایی در عرصه‌ی آفرینشگری نفس می‌کشید و البته هنوز آنگونه که باید دیده نشده است و جا دارد آثار این شاعر شریف بیش از پیش مورد مطالعه و کند و کاو اهل فن قرار بگیرد. یاد عزیزش گرامی باد. شعری از او را بخوانید:

چرنده‌وارش بیعت کردند
خزنده‌وارش خدمت

سنگ را به غربال آوردند
خاک را به آسیاب
و آب‌ها را چلاندند!
به دست خویش
و ساختندش به دست خویش
و پرداختندش:
هیکلی عظیم

دستی ورای همه‌ی دست‌ها
چشمی گشاده به ته‌بن‌بست‌ها
وچربانیدند
زبانش بر زبان‌ها
وبلندانیدند!
قامتش را به تمامی نردبان‌ها
پس نگریستند:
حتی به قوزک کفش مبارکش نرسید
دست یکی از آن‌ها!

رییس شورای اسلامی شهر زنجان:
قوانین شوراها نیازمند بازنگری است

هفت‌حوض-رییس شورای شهر زنجان با تاکید بر اینکه نیازمند بازنگری قوانین شوراها هستیم، گفت: ماهیت شوراها بیشتر مطالبه امور روزمره زندگی مردم است که با رفتار یک نماینده مجلس تفاوت دارد.

به گزارش مهر، مجید ناصحی مقدم گفت: بخش عمده‌ای از جمعیت کشور در شهرهای بزرگ متمرکز هستند و نوعاً مشکلات مشترکی دارند، درنتیجه راه‌حل‌ها نیز مشترک است.

رئیس شورای اسلامی شهر زنجان با بیان اینکه شوراها از ۲۵ سال پیش چندین مسأله اساسی داشتند که همچنان برقرار است، عنوان کرد: شوراها با تأخیر ۲۰ ساله به وجود آمدند و در نتیجه بخشی از وظایف آن‌ها را سایر دستگاه‌ها متولی شدند.

وی با تأکید بر اینکه همچنان این حیطه مسئولیتی به شوراها بازنگشته‌است، خاطرنشان کرد: ماهیت شوراها بیش‌تر مطالبه امور زندگی روزمره و بهبود وضعیت زندگی مردم است که با رفتار یک نماینده مجلس تفاوت بسیاری دارد.

ناصحی مقدم با بیان اینکه برخی از رفتارهای احزاب سیاسی در شوراهای شهر رسوخ می‌کند تصریح کرد: نمایندگان مردم وابستگی فکری به احزاب سیاسی دارند ولی این وابستگی در کارکرد شوراها نباید دخیل شود.

وی با اشاره به اینکه شوراها مصداق دموکراسی و مردم سالاری کثرت گرا هستند، یادآور شد: معضلات هر شهری در قالب شورا بر اساس هم فکری اعضای شورا حل خواهد شد. رئیس شورای اسلامی شهر زنجان با تأکید بر اینکه با هم‌افزایی همه اعضا باید به راهکار اداره بهتر شهرها برسیم، گفت: شهرهای کشور بزرگ شده و مشکلات‌شان چند برابر شده‌است، درنتیجه نیازمند بازنگری قوانین شوراها هستیم.

وی با اشاره به اینکه امروز شهرداری‌ها اقدامات بزرگی انجام می دهند که باید متناسب این اقدامات در شوراها ساختارسازی شود، مطرح کرد: برای تحقق این هدف باید مدیریت یکپارچه محقق شده و کارکرد شوراها عملیاتی‌تر و نیز دستگاه‌ها تولی گری برخی امور را به شوراها پس دهند.

ناصحی مقدم با بیان اینکه یکی از دلایل موفقیت شهر قم تثبیت مدیریت شهری است، اظهار کرد: شهر قم یکی از نادرترین شهرهایی است که مدیریت آن بیش از ۱۰ سال تثبیت داشته و این از هوشمندی شورای شهر قم است.

وی با اشاره به اینکه تثبیت شهردار در یک دوره موجب انسجام سازمان شهری شهر شده است، مطرح کرد: در زیرساخت‌های شهری قم تفاوت فاحشی را با دوره‌های گذشته شاهد هستیم و مهم‌ترین دلیل آن نیز تثبیت مدیریت شهری است.

معاون امداد و نجات هلال احمر استان زنجان:
۳ موتورسوار مفقودی در طارم زنجان پیدا شدند

هفت‌حوض-معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان زنجان گفت: سه موتورسوار مفقودی در منطقه سندستان طارم با تلاش شبانه تیم هلال احمر پیدا شدند. به گزارش مهر، داود مهرگان گفت: مفقود شدن سه موتورسوار شامگاه گذشته با تماس مردمی با ندای امداد گزارش شد. وی اضافه کرد: بلافاصله یک تیم عملیاتی همراه با آمبولانس از پایگاه امداد و نجات کوهستان جاده زنجان - تهم - چورزق به منطقه اعلام مفقودی اعزام شدند. مهرگان گفت: این تیم با رسیدن به منطقه سندستان و روشن کردن چراغ‌های گردون این مفقودی‌ها را پیدا کردند. مهرگان از هموطنان خواست در صورت گرفتار شدن در سوانح و حوادث برای دریافت خدمات امدادی با شماره ۱۱۲ ندای امداد بدون محدودیت زمانی تماس بگیرند.

از قتل عام، صدای انسان امروز می آید

حسین نجاری

وقتی همسر نیکوس کازانتزاکیس در سال‌های دهه‌ی ۴۰، به دیدار دکتر داریوش شایگان می‌آید و به اتفاق ایشان بر سر مزار سعدی می‌رود، از اقبال مردم نسبت به این شاعر و حضور در سر مزار این شاعر حیرت می‌کند و می‌گوید: «در هیچ کجای دنیا ندیده‌ام که مزار و مقبره‌ی یک شاعر بزرگ، زیارتگاه مردم باشد! شاید تنها ملتی باشید که با شاعران‌تان چنین ارتباط معنوی عمیقی دارید و چنان ارجی برایشان قائلید که حضوری مدام در زندگی شما دارند.»

با این مصداق می‌توان گفت شوق شعر و شاعری در جریان خون ما جاری است و هیچ ملتی به اندازه‌ی ما با شعر، انس و الفتی ندارد. به عبارتی شعر بخش لاینفکی از هویت فرهنگی- تاریخی ماست ولی اینکه با این پیشینه و پشتوانه چرا نتوانستیم وارد عرصه‌ی جهانی شویم خود حدیث دیگری است که مجالی مبسوط و مجزا می‌طلبد.

اگرچه تاثیر شعر کلاسیک ایران بر نویسندگان و شاعران غرب و شرق در قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی امری است که مورد توافق همگی مورخان و منتقدان امروز جهان است ولی امروزه شعر و ادبیات ایران مقوله‌ی مهجوری است و عدم حضور شاعران ایرانی در صف برندگان جایزه‌ی نوبل ادبیات دلایل متعدد و مبرهنی دارد که در نهایت شعر ما را از شرکت در عرصه‌ی اندیشه و کنش جهانی بازمی‌دارد. و با اینکه شعر نوی فارسی ده سال جلوتر از شعر عرب پا به عرصه‌ی وجود گذاشت ولی پیشتازی شعر معاصر عرب امر روشنی است.

با این پرولوگ باید گفت شعر فارسی به ویژه در ژانر به اصطلاح سپید، نیاز به کوشش و کنکاش بیشتری دارد تا موانع مسلط و موجود را درنوردد. شعر نو فارسی با پیشینه‌ای ۸۵ ساله همچنان جوان است و رگ و پی تازه‌ای دارد. از نیما و شاملو و فروغ و براهنی تا شاعران سرشناسی که در تعاقب این نسل نوظهور کرده و نیز نسل‌های متاخری که متاعی برای عرضه در عرصه‌ی شعر و ادبیات دارند به سهم خود در تعمیق و توسعه‌ی شعر فارسی می‌کوشند و با تیشه‌ی قلم، قصه گوی سنگ زمانه‌اند.

حامد بشارتی شاعر خطه‌ی گیلان نیز در زمره‌ی شاعرانی است که اگر چه آنچنان آوازه‌ای ندارد ولی به وسع خویش اعجازی در آستین دارد. بشارتی دومین دفتر شعر خود را با عنوان «قتل عام» از نشر حکمت کلمه منتشر کرد. این مجموعه که حاوی ۴۳ اثر است یکی از مجموعه‌های موفقی است که شاعر آن به معنای واقعی مولف است نه مقلد. همان چیزی که در زمانه‌ی ما رنگ و رویی ندارد و ده‌ها متشاعر و مترجم جعلی با نشر آثاری فیک، گوی سبقت را به طور موقت از ساکنان جان شعر و ادب ربوده‌اند. بشارتی شاعری موقت نیست و شعر را وسیله‌ی تفنن خود نساخته، او ادبیات را آگاهی بخش و ابزاری برای کشف و تبیین زندگی می‌داند. او خوب می‌داند شعر از همان آغاز امری ادبی اجتماعی بوده است، نمی‌توان آن را بیرون از مرزهای جامعه تعریف کرد. زیرا تاکید بر خاصیتی انتزاعی و ایزوله‌شدگی هویت آن را تهی از مضمون می‌نماید. بنابراین اگر هنر را امری اجتماعی قلمداد کنیم برای وفاداری به این خصلت باید از اصالت خویش حمایت کند و حتی آن را وجهه‌ی همت خود سازد. شعر به تعبیر شیرکو بی‌کس: «به قصد نزدیکی به مردم سروده می‌شود.» و اگر نتواند مسیر خود را برای نیل به این جایگاه والا بیابد پایگاه اجتماعی نخواهد یافت. زیرا ترانه‌ی آدمی را جامعه در خود می‌پروراند و آن را مشتاقانه پیش می‌برد و حتی در حفظ و انتقال آن از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر به صورت خودجوش می‌کوشد. اگرچه طیف و تیره‌ای از شاعران نگاه دیگری دارند و خوانشی دیگرگونه از رسالت شعر و هنر می‌کنند ولی بشارتی تعلق خاطری به جهان جدا از انسان آن‌ها ندارد. یعنی اگر جامعه‌ی شاعران را به دو اردوگاه متعهدها و غیر متعهدها دسته‌بندی کنیم در این جهان دوقطبی جهان بشارتی متاثر از جریان متعهدهاست و به شهادت شعرهایش او خود را متعلق و مقید به آرمان‌های اردوگاه شعر متعهد می‌داند. اساساً مگر می‌شود کنشگری ادبی را بدون اعتنا به اجتماع و اجزا و عناصر آن انجام داد، مگر ادبیات می‌تواند مستقل از جامعه باشد، ادبیات و اجتماع و سیاست تاثیر و تاثری متقابل بر همدیگر دارند. همچنان که هیچ یک از مکاتب ادبی دنیا به شکل انتزاعی و منفک از جامعه نبوده و در طی جریان‌ها و تحولات اجتماعی، تاریخی شکل گرفته‌اند، جامعه نیز برای تنفس سالم نیازمند اکسیژن ادبیات است، بر این اساس گفتگو و تعامل و حتی تقابل اجتماع و ادبیات امری طبیعی است. وقتی ادبیات از اجتماع تغذیه می کند چگونه می تواند نسبت به آن منفعل باشد؟ بر این اساس باید از منظر شعر و هنر به انسان و جهان و جامعه‌ی انسانی نگریست و به کنکاش در لایه‌های گوناگون آن پرداخت:

اسکلت‌های این برج می‌دانند
وقتی تیرآهنی را جوش می‌دهم
وقتی الکترود گیر می‌کند
....
اسکلت‌های این شهر می‌دانند
مشرف به میدان شهر
وقتی تیرآهنی را در سقف جوش می‌دهم
هرگز نمی‌توانم به احترام جشن روز استقلال بایستم.
(ص ۱۳)
اعتصلب
لکه‌های پیراهنش پاک نمی‌شود
لکه‌های روغن روی نان
«اعتصاب رانندگان کامیون» زیر سایه‌ی سنگین کامیون‌ها می‌خولد
خستگی در آسفالت فرو
در بوی گازوییل انباشته می‌شود....
(ص ۱۸)
کارگری از مزار شریف که حالا خودِ تهران است
کیسه‌های بزرگ از شلوارهای جین
به توپخانه می‌برد....
(ص ۲۰)
(کارگری روزمزد که نمی‌خواهد دیوارها و سقف این خانه تمام شود)
این را پشت آخرین پاکتی نوشتم که برای تو پست کردم به آدرس:
تهران-خیابان گلشهر....
از پیراهنی به پیراهنی دیگر می‌روم
تا جای خالی‌ات را گم کنم
در مزرعه‌ای بزرگ
پشت کامیون‌های حمل گندم
مارا می‌کشند
(ص ۳۸)
کارگران درختی شکست خورده از باد را
از خیابان بلند می‌کنند
برگ‌ها
هریک
به راهی می‌روند.
(ص ۵۴)

به همین چند نمونه از شعرهای کارگری این شاعر دغدغه‌مند بسنده نموده و از ارائه‌ی نمونه‌های دیگر استنکاف می‌کنم. پر واضح است در نمونه‌های ارائه شده، نگاه هنری و زیباشناسانه‌ی او مشهود است و قدر مسلم اینکه بشارتی شعر خود را تبدیل به بیانیه‌ی سیاسی و کارگری نکرده است تا از خاصیت استعلایی آن بکاهد. او آن قدر به کارش تسلط دارد که شعر راستین را از ماهیت هنری خود منفصل نسازد.

صدای انسان امروز مخصوصاً صدای سوخته‌ی کارگری در شاهرگ شعر بشارتی جاری است. صدایی که از اعماق رنج و اندوه بر می‌خیزد. بر این اساس راوی شعر بشارتی انسان دردمند معاصر است و دغدغه و عواطف و احساسات انسان امروز را دارد. همچنین باید گفت تخیل یکی از مولفه‌های مهم شعر حامد است که در اغلب آثار او به چشم می‌آید:

«برای این علف‌زار
که اسبی سیاه در دلش نشسته
تو را صدا زدم
برای این علف‌زار که شقایقی به موهایش بسته و
از کوه بالا می‌رود
تو را صدا زدم
مه نمی‌گذاشت نزدیک‌تر از یال اسب به آوندهای گیاه ببینمت»
(ص ۱۰)
یا
«...تو هجوم کشتزارهای آفتابگردان در باد را ندیده‌ای
و ندیده‌ای وقتی موهای تو را
در کوهستانی از باد نوشتم
چگونه هزاران کبوتر وحشی
انفجار یک مزرعه‌ی گندم را تماشا می‌کردند.»
(ص۹)

بدیهی است تخیل یکی از مهم‌ترین ویژگی شعر در خلق زیبایی است. شاعر با توسل به تخیل، جهانی نو می‌آفریند و این آفرینش کمک می‌کند تا واقعیت به روایت هنرآفرین تعریف شود. دی لویس شاعر معاصر انگلیسی می‌گوید: قوه‌ای که ایماژ شاعرانه را خلق می‌کند، تخیل است و من تصور می‌کنم که هیچ کدام از قوای ذهنی تعریفش دشوارتر از تخیل نباشد. او می‌افزاید: «خیال فرآیندی مبتنی بر تداعی است و تخیل فرآیندی است خلاق» خیال در حقیقت چیزی به جز حالتی از حافظه نیست که از قید زمان و مکان رها شده است، خیال همه‌ی مواد خود را حاضر و آماده از طریق قانون تداعی به دست می‌آورد اما تخیل نیرویی است که میان حس و ادراک میانجی می‌شود، نیروی حیاتی و عامل اصلی هر نوع ادراک انسانی و تکراری است که از عمل جاودانه‌ی آفرینش در «من هستم» لایتناهی و بیکران که در ذهنی محدود جلوه‌گر می‌شود. اینچنین می‌توان گفت تخیل مسئله‌ی مهمی در اثر ادبی است و بشارتی با اتکا به عنصر تخیل به خلق ایماژ شاعرانه پرداخته و تصاویر بدیعی را رقم زده است.

مسئله‌ی عاطفه نیز که یکی از عناصر محوری در هنر محسوب می‌شود در خلال شعرهای بشارتی به قدر کافی وجود دارد. اساساً غایت اثر هنری انتقال عواطف است و شعر «ماما» در صفحه‌ی ۶۱ کتاب که ظاهراً در سوگ مادر بزرگش نوشته نمونه‌ی روشنی از حضور موثر عاطفه در شعر ایشان است.

نهایت امر اینکه بشارتی شاعری است که نمی‌توان او را نادیده گرفت. او در همین کتاب کم حجم حرف‌های تازه‌ای برای گفتن دارد و من در این وجیزه تنها به زوایای اندکی از جهان شاعری او پرداخته‌ام و امیدوارم در مجالی دیگر بیشتر از او بنویسم و به سهم خود به معرفی‌اش بپردازم. دم‌شان گرم و جام‌شان پر می‌باد.

کافه نادری

گبه بالیق‌لاری
ابوذر جعفری

آنام بالیق‌لاری سپدی گبه‌نین اورتاسینا. بیر آز چابالادیلار؛ سونرا ساکین‌لشدیلر. گبه‌داردان ائندیریلدی؛ یئره سریلدی. آتام پول‌لاری سایماقدا ایکن، لوله‌لنمیش گبه فرشچی کیشی‌نین قولتوغوندا احَیَط قاپیسیندان ائشیگه چیخیردی. گبه‌دن بالیق‌لار یئره تؤکولوردو. اونلاری اووجوما آلیب حوووضا قاچدیم. سویا دوشوب دوشمه‌میش جانلانیب اوزمه‌یه باشلادیلار. من ده اونلارلا برابر اوزوردوم. گبه توخویارکن آنامین اوخودوغو بایاتی قولاغیمدا اسسله‌نیردی:

دریالار قیراغین سئیران ائدردیم
بیر بزک وورسایدیم مین قان ائله‌ردیم
بزک گؤرمه‌میشم یاریم گئده‌لی
اوزوم گولمویوبدور یاریم گئده‌لی

آنامین اللری حوووضا گیریب بالیق‌لارلا منی اووجونا آلدی. سپدی گبه‌نین اورتاسینا؛ سانکی سپمه ماهی اؤرنه‌یی‌نین ایچینده منی ده توخودو. داها من ده گبه ایله بیرلیکده سفره چیخمالی ایدیم. آنامین امه‌یی‌نین هارالارا قدر گئتمه‌سی‌نین ماراقلی‌سی ایدیم.

چوخ سئیر ائدن‌دن سونرا بیزی بیر سارایا چیخارتدیلار. اورادا گؤزل گؤیچک رقص ائدن قیزلارین آیاغی آلتینا سریلدیک. اونلاردان بیری منی گؤردو. اللرینی اوزالدیب منی گبه‌دنیزیندن آلدی. بیرلیکده رقص ائتمه‌یه دعوت ائتدی. آیاغیم آلتینداکی بالیق‌لاری ازمه‌ییم دئیه بیر تهر رقص ائده بیلمیردیم. قیز بوشلاییب گئتدی. منده سوزولوب یئنی دن گبه ایلمه‌لری‌نین ایچینه دالدیم...

... آنام هله ده اوخویوردو؛ آنجاق گنج‌لشمیشدی. آتاسی ائوینده ایدی. آنامین یانیندا اوتوردوم. منه باخیب گولومسه‌دی. توخودوغو گبه‌ده هله بالیق‌لار یوخ ایدی. آخشام سرین دوشرکن کندین قیزلاریلا خان‌باغینا گئده‌جگئدی؛ اورادا چای‌دان بالیق توتوب گتیره‌جگئدی. خان‌باغینا آیاق باسیب باسمامیش او بیری قیزلاری گؤردو. چال اویناسین ایدی. نئچه قیز قاوال چالیردی. باشقالاری دا رقص ائدیردی. من ده آنامین الیندن توتوب هامی ایله بیرلیکده رقص ائدیردیم. گؤز گؤزه ایدیک. آنام نه قدر گوزل ایمیش. بو رقص سونسوزا قدر داوام ائتسین ایستردیم. آنجاق آتام اونو من‌دن آلیب قاچیرتدی. اصلینه باخساق بؤیوک آتامین الیندن قاچیرتدی. اونلار دؤرد باجی ایدیلار. آنام ان کیچییی. آتالاری اونلاری اره وئرمیردی. نه‌دن وئرسین آخی!؟ ائوین خرجی گبه‌دن چیخیردی. قیزی چوخ اولان اعتبارلی کیشی سایلیردی. هر حالدا آنام کنده کی آتا ائوینده توخوماغی بوشلاییب شهرده کی اَر ائوینده توخوماغا قرار وئردی...

...آنامین سانجی‌دان باغیرتیسین ائشیدیردیم. گؤزلریمی دونیایا آچیردیم. دوغولوردوم. بالیق‌لار دا من‌له برابر دوغولوردو. هامی بیرلیکده چای‌دا اوزوردوک. چای خان‌باغی‌نین کنارینداندان گئچیردی. سو قیراغیندا، نئچه قیز اوشاغی قیچ‌لارینی چیمرامیش سویا سالمیشدیلار. بیزی گؤروب هوسله‌نیب سویا دوشدولر. بیریسی آنام ایدی. هؤروکلو ساچ‌لاریلا! منی او قیز جیغاز اللری ایله سودان آلیب قاچیرتدی. اوزومو یوموشاق اللرینه سورتوردوم. او کیچیک اللر آرغاج‌لار آراسینا گئچیب ایلمه‌لری چالیردی. یوموشاق اللر قابارلانیردی. بؤیوک آنامین سسی گلیردی: «بیر قوی ایکی چال، ایکی قوی بیر چال، اَل اَل اوسته‌قوی، تاخچانی دول...» اونا گبه اؤرنه‌یی‌نین اوخوماسینی اؤیره‌دیردی. من یالواریردیم: «سن او آلله! اؤیرتمه! آنام درس اوخویوب معللیم اولماق ایسته‌ییر آخی!» آنجاق ایش ایشدن گئچمیشدی. آنالار قیزلارا هر شئیی اؤیرتمیشدیلر. دَفه‌لرین سسی بیر موسیقی کیمی شهرین هر یئرینی آلمیشدی. شهرده قیزلار سمفونی چالمایا باشلامیشدیلار. بیز اوغلان اوشاق‌لاری کوچه‌ده اویناییردیق. قاپیمیز دا قارانگلی ماشین ساخلادی. فرشچی کیشی‌نین باشماق‌لارینی ماشین‌دان اَنرکن گؤردوم. اوشاق‌لاردان آیریلدیم. گبه بالیق‌لارینی قورتارمالی ایدیم. یئنه ده سَفره چیخمالی ایدیم...

کسب مدال طلا و نقره توسط جوانان دوچرخه‌سوار زنجانی

هفت‌حوض-معصومه سیاحتی: دوچرخه‌سواران زنجانی مدال طلا و نقره مسابقات کشوری کراس کانتری را به‌دست آوردند.

ششمین دوره مسابقات کشوری دوچرخه‌سواری کراس کانتری جایزه بزرگ چشمه سبز گلمکان برگزار شد.

۸۷ نفر از بهترین دوچرخه سواران ایران از جمله اعضای تیم ملی در رشته کراس کانتری از ۱۲ استان کشور در این مسابقه حضور داشتند. این مسابقات در مسیر کوهستانی چشم سبز گلمکان و به فاصله ۳۰ کیلومتر در ۵ دور در دو رده سنی بزرگسالان و جوانان برگزار شد. در رده جوانان علیرضا اوصانلو از استان زنجان، صابر محمدی از استان زنجان و عرفان عبادی از خراسان رضوی به ترتیب عنوان‌های اول تا سوم را به دست آوردند.

مدیرکل ورزش و جوانان استان:
ریل گذاری در موتورسواری و اتومبیل رانی زنجان شتاب می گیرد

هفت‌حوض-معصومه سیاحتی: مدیرکل ورزش و جوانان استان گفت: ریل گذاری‌ها در برخی بخش‌های هیأت موتورسواری و اتومبیل رانی اتفاق افتاده‌است و شتاب بیشتری پیدا خواهد کرد.

جواد بازرگان در مجمع سالانه هیأت موتورسواری و اتومبیل رانی زنجان، بیان کرد: ریل گذاری‌هایی در برخی بخش‌ها اتفاق افتاده است که شتاب بیشتری پیدا خواهد کرد.

او با یادآوری اینکه قشر عظیمی در این رشته دنبال هیجان و تفریح است، توضیح داد: فضا را باید برای این جوانان ایجاد کرد تا به علایق و استعدادهای آن‌ها پاسخ داده شود. بازرگان با توضیح اینکه هرقدر بسترها برای حضور مردم فراهم باشد، مردم نیز حمایت خواهند کرد، ادامه داد: ما مدیران و مسؤولان هستیم که باید شرایط را برای جوانان و مردم فراهم کنیم.

موج بیداری
هفتگی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرامرز نجّاری
رییس شورای سردبیری: حسین نجّاری
لیتوگرافی امیر، چاپ: کتیبه
نشانی: زنجان، خیابان ۱۷ شهریور، ابتدای خیابان انقلاب اسلامی، پلاک ۲۳۴
تلفن: ۳۳۵۶۸۶۷۰ ، کد پستی: ۴۵۱۸۸۳۶۷۷۹

۶۷۱ هکتار بافت فرسوده‌ی استان در انتظار بازسازی

بیش از ۶۷۱ هکتار در شهرهای زنجان، ابهر، خرمدره و قیدار در استان زنجان بافت فرسوده وجود دارد و سهم استان نیز از برنامه چهار ساله تولید مسکن در محلات ۹ هزار و ۲۱ واحد اعلام شده است.

به گزارش ایرنا، بازآفرینی و احیای بافت‌های فرسوده و قدیمی همواره یکی از دغدغه‌های مهم مردم و مسوولان به خصوص در شهرهای بزرگ و مراکز استان‌هاست.

متولیان این حوزه برای بازآفرینی مناطق دارای بافت فرسوده، مشوق‌هایی را پیش بینی می‌کنند تا احیای این بافت ها مورد توجه عموم مردم و سرمایه‌گذاران قرار گیرد و با بازسازی بناها و تاسیسات فرسوده و ناکارآمد از مخاطرات آن‌ها در برابر سیل، زلزله و آتش‌سوزی پیشگیری کنند.

به طور معمول مناطق دارای بناها و بافت فرسوده از کمبود امکانات و زیرساخت‌ها رنج می‌برند، به طوری که بروز هر حادثه‌ای در این بافت‌ها دستگاه‌های خدمات‌رسان را با مشکل جدی مواجه می‌کند چون امداد و خدمات رسانی به این مناطق با دشواری‌هایی همراه است و به دلیل بافت قدیمی و نبود معابر استاندارد حتی خودروهای امدادی از جمله ماشین آتش نشانی و آمبولانس نیز در رسیدن به محل حادثه ناموفق هستند؛ از این رو بازسازی بافت‌های فرسوده ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

مناطق قدیمی شهری که روزگاری سرشار از زندگی و پویایی و نشاط برای مردمان آن منطقه و پاسخگوی نیازهای آن‌ها بود، امروزه با رشد و گسترش شهرنشینی، افزایش جمعیت و گاه خالی از سکنه شدن مناطق تاریخی و قدیمی به محلات ناکارآمد و فرسوده تبدیل شده که با کوچک‌ترین مخاطره‌ای بیشترین آسیب را به ساکنان وارد می سازد.

در سال‌های گذشته، به‌سازی و نوسازی این مناطق متوقف شده‌است که این امر موجب سستی و فرسودگی بناها و افزایش آسیب‌های اجتماعی در این محلات شده‌است و در صورت بی‌توجهی به بازسازی آن‌ها آسیب ها و تهدیدهای بیشتری در انتظار ساکنان آن‌ها خواهد بود.

بازآفرینی شهری و برنامه ریزی مناسب و هدفمند برای نوسازی بافت‌های قدیمی می‌تواند فرصتی برای احیا و حفظ آثار تاریخی و با قدمت بالای شهر و منطبق کردن آن‌ها با شرایط و ساختارهای نوین باشد.

تحقق اهداف در این زمینه نیازمند برنامه‌های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت است که دولت با اعمال بسته‌های حمایتی و تشویقی، بخش خصوصی را نیز برای همکاری در این خصوص دعوت کرده و این موضوع نشان دهنده‌ی اهمیت به امر احیا و بازآفرینی بافت‌های فرسوده‌است.

در استان زنجان نیز مساحت بافت‌های فرسوده و ناکارآمد در شهرهای زنجان، ابهر، خرمدره و قیدار بیش از ۶۷۱ هکتار اعلام شده است که بیش از ۴۹۲.۵ هکتار از این محدوده ها در شهر زنجان، ۸۳ هکتار در ابهر، ۷۳.۹ هکتار در خرمدره و ۲۲ هکتار نیز در شهر قیدار واقع شده است.

در حال حاضر جابه جایی ساکنان کوی فلسطین، ساماندهی کوی فاطمیه، اجرای پروژه داودقلی - دلجویی به عنوان پروژه‌های بازآفرینی بزرگ و مهم کشور در استان زنجان اجرا می شود. سهم استان از برنامه چهار ساله تولید مسکن در محلات هدف بازآفرینی شهری نیز ۹ هزار و ۲۱ واحد اعلام شده است.

۸.۳ درصد مساحت شهر زنجان بافت فرسوده است

مدیر کل مدیریت بحران استانداری زنجان با بیان اینکه تاب‌آوری بافت‌های فرسوده در برابر زلزله پایین است، گفت: در حال حاضر ۸.۳ درصد مساحت شهر زنجان را بافت فرسوده تشکیل می‌دهد.

عباس بابایی با بیان اینکه سهم ابهر از بافت‌های فرسوده ۸.۵ درصد مساحت کل شهر است، اظهار داشت: ۸۸ درصد مساحت شهر قیدار و ۱۶.۳ درصد از مساحت شهر خرمدره را نیز بافت فرسوده تشکیل می دهد.

بابایی افزود: ۶ هزار واحد مسکونی روستایی در استان زنجان مقاوم سازی شده و اقدامات لازم در خصوص ۱۳ هزار واحد دیگر در دست انجام است.

وی با بیان اینکه ۱۵۳ روستای استان زنجان نیز در حریم گسل واقع شده است، تصریح کرد: ۱۸ هزار و ۷۳۴ واحد مسکونی در این روستاها استقرار دارد که باید مقاوم‌سازی آن‌ها جدی گرفته شود.

بابایی ادامه داد: با اقدامات انجام شده و از طریق پرداخت تسهیلات مقاوم‌سازی، تاکنون بیش از ۶ هزار واحد مسکونی روستایی در استان زنجان مقاوم‌سازی شده است و برنامه‌ریزی برای مقاوم سازی ۱۳ هزار واحد دیگر ادامه دارد.

شهر زنجان ۲۰ محله فرسوده دارد

رئیس کمیسیون بودجه شورای شهر زنجان نیز تخفیف ۱۰۰ درصدی صدور پروانه در بافت فرسوده زنجان را از جمله مشوق های اعمال شده برای تسریع و ترویج بازآفرینی شهری بیان کرد و گفت: شهر زنجان ۲۰ محله فرسوده دارد که در این محلات پروانه ساختمانی به طور رایگان صادر می شود.

حسین حمزه‌لو، کوی فاطمیه، بیت‌المقدس، شهرک شهدا، باباییان، شهرک راه‌آهن، مزار بالا، اسلام‌آباد، گویجیک آباد، سایان، کوی وحدت، مهدیه، سعیدیه، بلوار پایین، فرودگاه، شورجه، نجف آباد و درمانگاه را از جمله این محلات برشمرد.

وی با بیان اینکه ارائه تخفیف در بخش های مختلف با هدف ایجاد مشوق در ساخت و ساز انجام می‌شود، اظهار داشت: در بحث صدور مجوز ساخت‌وساز در برخی از شهرک‌های زنجان نیز تغییراتی نسبت به سال‌های قبل ایجاد شده‌است.

حمزلو یادآور شد: بسته تشویقی ویژه شهر زنجان در محدوده بافت‌های فرسوده برای اجرا به مناطق چهارگانه شهرداری ابلاغ شده است.

وی تصریح کرد: براین اساس درمحلاتی که ساخت و ساز کمتر و بافت آن‌ها فرسوده بود، تعداد واحدهای مجاز برای ساخت افزایش پیدا کرد تا موجب تشویق شهروندان شود.

ابلاغ بسته‌ی تشویقی جدید برای احیای بافت‌های فرسوده زنجان

معاون شهرسازی و معماری شهردار زنجان نیز با اشاره به ابلاغ بسته تشویقی جدید برای احیای بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیر رسمی، گفت: در راستای اجرای مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و افزایش تسهیلات و مشوق‌ها و مصوبات قانونی برای تسهیل شرایط ساخت و ساز برای سازندگان و مالکان، بسته تشویقی بومی ویژه‌شهر زنجان در محدوده بافت‌های فرسوده و سکونتگاه غیررسمی تهیه و در کمیسیون ماده پنج تصویب شد که برای اجرا به مناطق چهارگانه شهرداری ابلاغ شد.

منصور سلطانی‌محمدی افزود: این بسته تشویقی ویژه‌ی محدوده‌ی مصوب بافت فرسوده‌ی شهری (به‌جز بافت تاریخی) و همین طور بافت ناکارآمد شهری، سکونتگاه‌های غیررسمی در چهار گروه تشویقی تجمیع قطعات مسکونی در بافت فرسوده‌است.

وی تصریح کرد: بسته‌ی پیشنهادی شهرداری زنجان پس از طی مراحل قانونی و تصویب در کمیسیون ماده پنج شهر زنجان در حال حاضر ملاک عمل شهرداری های مناطق است.

سلطانی محمدی گفت: در این بسته‌ی تشویقی، افزایش تراکم، کاهش ضریب پارکینگ مورد نیاز، احداث طبقه‌ی همکف به‌صورت تجاری در برخی محورها و افزایش تراکم در صورت تجمیع قطعات ریزدانه در نظر گرفته شده‌است که یکی از کامل ترین بسته‌های تشویقی کشور در حوزه‌ی بازآفرینی شهری محسوب می شود.

معاون شهرسازی و معماری شهرداری زنجان با اشاره به اخذ بیش از ۲۰ مصوبه‌ی محوری در سطح شهر از کمیسیون ماده پنج، ابزار امیدواری کرد: با ابلاغ بسته‌ی بومی و مصوبات محوری شاهد رشد و افزایش بازآفرینی در محلات هدف باشیم.

وی گفت: شهروندان می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به واحد شهرسازی مناطق چهارگانه و یا به وب‌سایت شهرداری زنجان مراجعه کنند.

اطلاع رسانی مناسبی در خصوص مشوق‌های نوسازی در بافت‌های فرسوده زنجان انجام نشده‌است

استاندار زنجان نیز بر ضرورت اطلاع رسانی مشوق‌های نوسازی و مقاوم سازی مسکن در بافت‌های فرسوده تاکید کرد و گفت: متاسفانه تاکنون اطلاع رسانی خوبی در این خصوص انجام نشده‌است.

محسن افشارچی افزود: شهرداری های استان در این خصوص باید بسته های تشویقی را به نحو مطلوب به اطلاع مردم برسانند.

وی افزود: بازآفرینی بافت‌های فرسوده و قدیمی بخشی از تعهدات ساخت مسکن در استان را با همکاری مردم محقق کرده و باری از دوش دولت بر می‌دارد.

افشارچی ادامه داد: نوسازی واحدهای مسکونی در بافت فرسوده مزایای متعددی دارد و موجب تحقق بخشی از تعهدات ساخت مسکن توسط خود مردم می شود و در واقع بار سنگینی در زمینه‌ی نوسازی بناها از دوش دولت بر می‌دارد.

افشارچی اظهار داشت: پیگیری برنامه بازآفرینی شهری در بافت های فرسوده منجر به افزایش کیفیت زندگی شهری و حل و فصل گره های ترافیکی می شود که این موضوع مهم باید در اولویت قرار گیرد.

وی بر لزوم برگزاری منظم جلسات ستاد بازآفرینی استانی و شهرستانی تاکید کرد و گفت: باید از ظرفیت های پیش بینی شده در قانون برای گشایش امور در اجرای برنامه های مربوط به بازآفرینی بهره گرفت.

گفتنی است امروزه با توسعه شهرها شاهد افزایش محلات ناکارآمد، فرسوده و قدیمی در شهرها به ویژه مراکز استانها هستیم که سکونت در آنها خطرات و تهدیدات جدی را برای شهروندان به دنبال دارد.

زنجان صاحب پارکینگ طبقاتی شد

پروژه پارکینگ طبقاتی و مجتمع تجاری «توفیق» پس از ۹ سال انتظار با حضور مسئولان استانی افتتاح شد.

پروژه پارکینگ طبقاتی و مجتمع تجاری «توفیق» از سال ۱۳۹۴ با مساحت ۸ هزار و ۳۴۰ متر مربع (شامل ۲۳ باب مغازه، یک رستوران و فضای پارکینگ)، دارای ۱۴۷ واحد پارکینگ مسقف و ۱۸ پارکینگ رو باز به مساحت قسمت تجاری ۲ هزار و ۳۲۰ متر مربع، زیر بنای رستوران ۴۱۶ متر مربع، تعداد ۸ طبقه (دو طبقه زیر زمین یک طبقه همکف و پنج طبقه روی آن) از سال ۱۳۹۴ در دست ساخت بود. این پروژه توسط شرکت جهاد نصر در دست ساخت بود که نهم اردیبهشت‌ماه در زنجان افتتاح شد.

خدمات پارکینگ «توفیق» تا زمان واگذاری به بخش خصوصی، رایگان شد

علیرضا فیروزفر، شهردار زنجان در آیین افتتاح پروژه پارکینگ و مجتمع تجاری توفیق با بیان اینکه پارکینگ برای مدتی به صورت رایگان در اختیار شهروندان قرار می گیرد، اظهار کرد: این موضوع تا پروسه واگذاری به بهره‌بردار بخش خصوصی ادامه خواهد شد.

شهردار زنجان با اشاره به اینکه مغازه‌های مجتمع هم آماده‌ی افتتاح هستند، اضافه کرد: ضمن اینکه یک رستوان هم در طبقه‌ی آخر این ساختمان پیش‌بینی شده که واگذار خواهد شد.

شهردار زنجان با بیان اینکه پروژه در مساحت بیش از ۸ هزار متر مربع شامل ۲۳ باب مغازه در طبقات مختلف اجرا شده است، افزود: این پروژه ۱۴۷ واحد پارکینگ مسقف و ۱۸ پارکینگ روباز هم دارد. وی با اشاره به اینکه پروژه پارکینگ و مجتمع تجاری را مولدسازی و سرمایه گذاری برای گشایش ترافیک است، افزود: اجرای این پروژه‌ها می تواند به حل مشکل ترافیک در هسته‌ی مرکزی شهر و تشویق شهروندان به پیاده‌روی کمک کند.

شهردار زنجان با تاکید بر استفاده از سرمایه‌های شهرداری زنجان از جمله املاک برای پیشرفت و توسعه شهر تصریح کرد: پروژه‌های دیگری هم در این شهر برای توسعه تفرجگاه‌های شهری و همچنین تسهیل تردد در سطح شهر از جمله بوستان شهر و همچنین پروژه «شهیدان کریمی» در دست اجرا است. وی با بیان اینکه اجرای پروژه‌ی شهیدان کریمی منجر به تغییر سطح تردد در منطقه اجرای پروژه خواهد شد، ادامه داد: پروژه ساماندهی «زنجانرود» هم منجر به حذف فاضلاب از این سرمایه شهری شده و در منطقه تفرجگاه ایجاد خواهد شد.

فیروزفر با بیان اینکه آبیاری دستی در فضای سبز شهری حذف و این امر مکانیزه شده است، افزود: با ورود خریدهای انجام شده به شبکه حمل و نقل شهری، این شبکه نوسازی و در صدد هوشمندسازی این شبکه هستیم.

مدیریت شهری با درآمدزایی انجام می شود

مجید ناصحی‌مقدم، رئیس شورای شهر زنجان نیز در این مراسم با اشاره به اینکه شورا نهادی مردمی با هدف برقراری ارتباط بین مردم با نهاد حاکمیت داست، اظهار کرد: مردم از طریق شورا در سرنوشت خود دخالت می‌کنند، چرا که اداره‌ی امور محل زندگی به منتخبان شورا واگذار می شود که سبقه‌ی آن به سال ۵۸ مربوط است.

رئیس شورای شهر زنجان با بیان اینکه انتخاب شهرداران در سال ۷۸ به شورا سپرده و به صورت عملی حمایت دولت از شهرداری‌ها هم رخت بربسته و بسیار اندک شده‌است، افزود: این مهم نباید نادیده گرفته شود چرا که مدیریت شهری عملاً با درآمدزایی انجام می‌شود. وی با اشاره به اینکه باید به فکر درآمد پایدار بود که دریافت ارزش افزوده به این مهم کمک می کند که توسط سازمان امور عملیاتی عملی می شود که باید ادامه یابد، اضافه کرد: لازمه‌ی ادامه خدمات همین اقدامات انجام شده برای درآمدزایی پایدار است.

ناصحی مقدم، پروژه‌ی پارکینگ و مجتمع تجاری «توفیق» را از پروژه‌های ماندگار شهری زنجان عنوان کرد و گفت: این پروژه در اختیار شهرداری توسط پیمانکار به مجتمع تجاری، پارکینگ و رستوران با هدف ارزش افزوده تبدیل شده، که تجربه موفق و مفیدی محسوب می‌شود. ناصحی مقدم عنوان کرد: این طرح از دوره‌ی شوراهای قبلی آغاز و در این دوره به سرانجام رسیده‌است.

رئیس شورای شهر زنجان گفت: با اتکا به تجربه‌ها، پروژه‌های بهتر در شهر اجرا و به ایجاد درآمد پایدار کمک شود، چرا که اداره شهر با بودجه‌های معمولی کار آسانی نیست.